## فهرست مطالب

[فهرست مطالب 1](#_Toc429180465)

[خطبه اول 1](#_Toc429180466)

[اوصاف حضرت ابراهیم (ع) در قرآن کریم 2](#_Toc429180467)

[دوستی به چه معناست؟ 2](#_Toc429180468)

[ابراهیم خلیل‌الرحمن 3](#_Toc429180469)

[مراحل دوستی با خداوند متعال 3](#_Toc429180470)

[دلیل برگزیده شدن حضرت ابراهیم به مقام خلت چیست؟ 4](#_Toc429180471)

[آیاتی از قرآن کریم در مقام دوستی خداوند 4](#_Toc429180472)

[واقعه عاشورا، مظهر دوستی الهی 4](#_Toc429180473)

[ذکر مصیبت حضرت علی‌اکبر 4](#_Toc429180474)

[خطبه دوم 6](#_Toc429180475)

[توهم توطئه 7](#_Toc429180476)

[دعا 9](#_Toc429180477)

## خطبه اول

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه[[1]](#footnote-1)؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین.**

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **«یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَکونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ»[[2]](#footnote-2)عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

همه برادران و خواهران گرامی و خودم را در این روز عزیز و مبارک روز جمعه و در پایگاه عبادت و معنویت و ارتباط با خداوند متعال به تقوا و پرهیزکاری و پارسایی، اجتناب از گناهان و آلودگی‌های روحی و اخلاقی، اصلاح نفس و اخلاق سفارش و دعوت می‌کنم. امیدواریم خداوند متعال همه ما را در انجام وظایف و تکالیف الهی و ذکر و یاد خودش و شکر و سپاس بر نعمت‌های بی‌کران خودش توفیق عنایت بفرماید.

## اوصاف حضرت ابراهیم (ع) در قرآن کریم

در قرآن کریم از انبیاء و اولیاء و نقطه مقابل آن از کفار و مشرکان با ذکر اوصافی تعریف به عمل آمده که در مورد حضرت ابراهیم (ع) نیز وضع به همین منوال است. در قرآن کریم از حضرت ابراهیم (ع) که از آزمون‌های کم‌نظیر تاریخی سربلند بیرون آمده است اوصافی ذکر شده که تعداد آن بین 15 تا 20 صفت می‌باشد. حضرت ابراهیم (ع) پس از حضرت موسی بیشترین تکرار و صفت را در قرآن کریم داراست و در دو مورد از حضرت ابراهیم به عنوان الگوی تمام موحدان معرفی شده است.

## دوستی به چه معناست؟

دوستی رابطه‌ای صمیمانه و دوطرفه است که بر اساس آن روابط آنان نسبت به دیگران ممتاز خواهد شد. دوستی واقعی زمانی است که رابطه‌ای صمیمانه است که در اعمال و رفتار انسان نیز ظهور و بروز کند؛ در حقیقت دوستی امری قلبی و دارای آثار ظاهری است. امکان دارد انسان در اثر سیر و سلوک روحی و خودسازی و معرفت نسبت به مبدأ لایتناهی عالم و خداوند متعال رابطه دوستی میان او و خداوند متعال برقرار شود و لذت‌بخش‌ترین حالات روحی انسان است زیرا این دوستی وصل شدن به یک مبدأ بی‌نهایت است. بنابراین ارزش دوستی به ارزشمند بودن دوست انسان است و هرچه دوست او از مقام و مرتبه بالایی برخوردار باشد، دوستی ارزشمندتر است.

طبیعت بشر نیازمند ایجاد روابط صمیمی و عاطفی با دیگران است. انسانی که نیاز به دوستی با دیگران در خود احساس نکند بیمار است زیرا انسان بهنجار و متعادل انسانی است که علاقه‌مند به دوستی با دیگران است و باید با دیگران روابط صمیمی داشته باشد که این اصل در روانشناسی نیز مورد تأکید قرارگرفته است. بنابراین انسان باید تلاش کند تا دوستی‌های خود را ارزش‌اند کند و ارتباطات صمیمی خود را پیوسته به انسان‌های متعالی و درنهایت خداوند متعال متوجه کند. زمانی که انسان خود را در حلقه دوستان نیک و سنجیده کار و شایسته وارد کند این فضای نیکی و نیکوکاری و احساس بر عمق جان شخص تأثیرگذار است و بنابراین یکی از حلقه‌های روابط دوستی انسان به خدا متصل می‌شود که هیچ دوستی به پای آن نخواهد رسید.

## ابراهیم خلیل‌الرحمن

یکی از صفاتی که از مشخصات حضرت ابراهیم (ع) است و در قرآن کریم نیز به آن اشاره شده است، صفت دوستی خدا و خلیل بودن حضرت ابراهیم نسبت به خداوند متعال است که در قرآن و روایات به آن تأکید شده و روایات فراوانی در مورد آن وجود دارد. به یک معنا همه نیکان، پاکان و اولیای الهی دوست خداوند متعال محسوب می‌شوند و خداوند متعال آنان را دوست می‌دارد و خداوند متعال هم آنان را دوست به حساب می‌آورد. دوستی متقابل بین رب و عبد محوری است که در قرآن کریم موردتوجه واقع شده است و در جاهای مختلف هم آمده است اما در میان همه انبیاء و همه اسوه‌ها و الگوهای متعالی که در قرآن کریم از آنان سخن به میان می‌آید یک اوصاف خاصی علاوه بر این صفت‌های کلی ذکر می‌شود.

اگر بخواهیم خصوصیات حضرت ابراهیم را در قرآن کریم دسته‌بندی کنیم، تعدادی از خصوصیات میان حضرت ابراهیم و دیگر اولیای الهی مشترک است. به‌بیان‌دیگر در مورد حضرت ابراهیم (ع) اوصافی در قرآن کریم وجود دارد که نسبت به تمام انبیاء وارد شده است، اما بعضی از آن اوصاف و نشانه‌ها و علائم تنها در مورد حضرت ابراهیم وجود دارد. صمیمیت میان موجود و خالق هستی ارزشی به اندازه خالق هستی دارد. جلال، شکوه و جمال بی‌انتهای خداوند متعال است که به دوستی خداوند متعال ارزش می‌دهد. هرچقدر طرف دوستی برتر و ممتازتر و برجسته‌تر باشد آن دوستی ارزشمندتر می‌شود و هیچ دوستی به دوستی با خداوند متعال نمی‌رسد.

## مراحل دوستی با خداوند متعال

دوستی با خداوند متعال دارای مدارج و مراتبی است. درواقع محبت و علاقه و پیوند با خداوند متعال یک درجه نیست که بگوییم یا دارد یا ندارد بلکه به این معناست که با یک قدم برداشتن به وجود می‌آید، زمانی که قدم دیگری برمی‌دارد عمیق‌تر می‌شود و همین‌طور به طرف بی‌نهایت دوستی انسان تقویت خواهد شد. باید تلاش کنیم که دوستی میان عبد و رب و رابطه صمیمی میانه خود و خدا را تقویت کنیم زیرا این ژرف‌ترین و عمیق‌ترین و سازنده‌ترین دوستی‌هایی است که می‌تواند روان و روح انسان را الهی و خدایی کند و هدایت انسان به این است که این دوستی پیدا شود.

اگرچه دوستی یک امر قلبی و باطنی است اما این امر باطنی در اعمال و رفتار و همه وجود انسان آثاری از خود به جای خواهد گذاشت و عاملی است که در همه رفتار و اعمال انسان اثرگذار است. لازمه طرح دوستی با خداوند متعال ریختن سنخیت با آن وجود بی‌نهایت و کمال مطلق است.

## دلیل برگزیده شدن حضرت ابراهیم به مقام خلت چیست؟

پیوند عمیق در جان حضرت ابراهیم با خداوند هستی برقرار شد که باعث شد تا آن حضرت به مقام دوستی خداوند متعال نائل شود. در ویژگی‌های حضرت ابراهیم چیزهایی وجود دارد که بدون آن مقام دوستی ویژه و بدون ارتباط بسیار صمیمی میان ابراهیم و خدای خود تحقق نشدنی بود. به‌عبارت‌دیگر حضرت ابراهیم (ع) آزمایشاتی را پشت سر گذاشتند که باعث ترفیع مقام و درجه آن حضرت نزد خداوند متعال شد که در این میان داستان به آتش افکندن حضرت ابراهیم (ع) خود گواه بر این مطلب است. آزمایش دیگر حضرت ابراهیم ذبح فرزندشان حضرت ابراهیم (ع) بود که در میان انبیاء دیگر وارد نشده است که عزیزترین فرزند خود را در راه خداوند متعال ذبح کند.

آزمایشات گوناگون حاکی از این است که حضرت ابراهیم (ع) نزد دربار حق‌تعالی فانی محض است و این خود باعث مقام دوستی او نزد خداوند متعال شده است.

## آیاتی از قرآن کریم در مقام دوستی خداوند

خداوند متعال در سوره مبارکه نساء می‌فرماید: «**وَاتَّخَذَ اللّهُ إِبْرَاهِیمَ خَلِیلاً**»[[3]](#footnote-3)؛ خداوند متعال حضرت ابراهیم را دوست خود برگزید. دوستی خداوند صفت خاص و ممتاز حضرت ابراهیم (ع) است که در قرآن کریم به آن اشاره شده است که درواقع این آیه شریفه به این نکته اشاره دارد که خداوند متعال آمد و ابراهیم (ع) را به مقام دوستی خود برکشید و او را به عنوان دوست برگزید. حضرت ابراهیم (ع) در زندگی به‌گونه‌ای عمل کرد و به شکلی از آزمون‌ها موفق بیرون آمد که به این مقام والا رسید.

## واقعه عاشورا، مظهر دوستی الهی

وقایع و حوادثی که مظهر دوستی با خداوند متعال است که از جمله می‌توان به واقعه عاشورا اشاره کرد. در حقیقت داستان جان‌سوز کربلای حسینی صحنه پرشوری است که محبت خداوند متعال در آنجا متجلی شد و آنان طرح دوستی با خداوند متعال ریخته بودند.

## ذکر مصیبت حضرت علی‌اکبر

[**اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَباعَبْدِاللَّهِ وَ عَلَی الاَرْواحِ الَّتی حَلَّتْ بِفِناَّئِکَ**](http://etedaal.ir/fa/news/40976/%D8%A7%D9%8E%D9%84%D8%B3%D9%91%D9%8E%D9%84%D8%A7%D9%85%D9%8F-%D8%B9%D9%8E%D9%84%D9%8E%DB%8C%D9%92%DA%A9%D9%8E-%DB%8C%D8%A7-%D8%A7%D9%8E%D8%A8%D8%A7%D8%B9%D9%8E%D8%A8%D9%92%D8%AF%D9%90%D8%A7%D9%84%D9%84%D9%91%D9%8E%D9%87%D9%90-%D9%88%D9%8E-%D8%B9%D9%8E%D9%84%D9%8E%D9%89-%D8%A7%D9%84%D8%A7%D9%8E%D9%92%D8%B1%D9%92%D9%88%D8%A7%D8%AD%D9%90-%D8%A7%D9%84%D9%91%D9%8E%D8%AA%D9%89-%D8%AD%D9%8E%D9%84%D9%91%D9%8E%D8%AA%D9%92-%D8%A8%D9%90%D9%81%D9%90%D9%86%D8%A7%D9%91%D9%8E%D8%A6%D9%90%DA%A9%D9%8E)**؛**

اگر به هر قطعه‌ای از قطعات واقعه عاشورا بنگریم، همه‌جا دوستی با خداوند متعال و صمیمیت و شیدایی در برابر خداوند تبارک‌وتعالی موج می‌زند که نمونه‌ای از آن را در شهادت حضرت علی‌اکبر (ع) مشاهده می‌کنیم. طبق نقل بعضی از مقاتل اولین فرد از خاندان اهل‌بیت که به شهادت رسید، حضرت علی‌اکبر بود. پس‌ازآنکه جمع زیادی از اصحاب به شهادت رسیدند و ابا عبدالله احساس تنهایی می‌کرد زیرا نوبت به خاندان اهل‌بیت رسیده بود. در این میان فرزند مبارک امام حسین (ع) حضرت علی‌اکبر که بنابر اقوال صحیح حدود 30 و چند سال داشتند و از امام زین‌العابدین (ع) بزرگ‌تر بودند، در گرماگرم معرکه «**فَاسْتَأْذَنَ أبَاهُ فِی الْقِتَالِ**»، محضر امام حسین (ع) آمد تا از آن حضرت اذن جنگ بگیرد. «**فَأذِنَ لَهُ، ثُمَّ نَظَرَ إلَیْهِ نَظَرَ آیِسٍ مِنْهُ وَ أرْخَی علیه السّلام عَیْنَهُ وَ بَکَی**»؛ حضرت به ایشان اذن جهاد داد و نگاهی به این فرزند رشید خود انداخت به‌مثابه نگاه پدری که از فرزند دل بریده است و پس از نگاه کردن چشمش را به‌سوی پایین انداخت و اشک از چشمان ابا عبدالله (ع) جاری شد.

سپس خطاب کرد: «**اللَهُمَّ اشْهَدْ عَلَی هَؤُلاءِ الْقَوْمِ فَقَدْ بَرَزَ إلَیْهِمْ غُلَامٌ أشْبَهُ النَّاسِ خَلْقاً وَ خُلْقاً وَ مَنْطِقاً بِرَسُولِکَ. کُنَّا إذَا اشْتَقْنَا إلَی نَبِیِّکَ نَظَرْنَا إلَی وَجْهِهِ**؛ **اللَهُمَّ امْنَعْهُمْ بَرَکَاتِ الارْضِ، وَ فَرِّقْهُمْ تَفْرِیقاً، وَ مَزِّقْهُمْ تَمْزِیقاً، وَ اجْعَلْهُمْ طَرَائِقَ قِدَداً، وَ لَا تُرْضِ الْوُلَاهَ عَنْهُمْ أبَداً! فَإنَّهُمْ دَعَوْنَا لِیَنْصُرُونَا ثُمَّ عَدَوْا عَلَیْنَا یُقَاتِلُونَنَا**.»[[4]](#footnote-4)؛

خدایا بر این قوم گواهی بده که بهترین مخلوقات و شبیه‌ترین انسان‌ها به رسول گرامی اسلام به سمت آنان می‌رود و آنان بی‌اعتنا به او دارند با او این چنین رفتار می‌کنند. خداوندا تو شاهد باش ما هرگاه که اشتیاق دیدار جدمان رسول خدا (ص) را داشتیم، به قامت رشید حضرت علی‌اکبر (ع) می‌کردیم و در قامت رشید او و چهره نورانی او رسول خدا و جد بزرگوارمان را تماشا می‌کردیم. خدایا برکاتت را از این قوم بگیر و آنان را به تفرقه مبتلا کن.

طبق نقل مقاتل یکی از جاهایی که امام حسین (ع) با عمر سعد صحبت کردند اینجاست که بر سر او صیحه زدند و فرمودند: «**مَالَکَ؟ قَطَعَ اللهُ رَحِمَکَ، وَ لَا بَارَکَ اللهُ لَکَ فِی أمْرِکَ، وَ سَلَّط عَلَیْکَ مَنْ یَذْبَحُکَ بَعْدِی عَلَی فِرَاشِکَ کَمَا قَطَعْتَ رَحِمِی وَ لَم تَحْفَظْ قَرابَتِی مِنْ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم. ثُمَّ رَفَعَ صَوْتَهُ وَ تَلَا: إنَّ اللهَ اصْطَفی آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إبْرَاهِیمَ وَ آل‌عمران عَلَی الْعَالَمِینَ. ذُرِّیَّهً بعض‌ها مِنْ بَعْضٍ وَ اللهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ**»[[5]](#footnote-5)؛ چکار می‌کنی؟! خداوند رَحِم تو را قطع کند و در امورت هیچ‌گاه امری را برتومبارک نگرداند، و بر تو بگمارد پس از من کسی را که تو را در رختخوابت سر ببرد، همان‌طور که رحم مرا قطع کردی و پاس قرابت مرا با رسول خدا رعایت ننمودی! پس از آن صدایش را بلند کرد، و این آیه را تلاوت نمود: حقّاً خداوند برگزیده است آدم و نوح و آل ابراهیم و آل‌عمران را بر عالمیان، آن‌ها ذرّیّه‌ای هستند که بعضی از بعض دگرند (همگی از یک جنس هستند) و خداوند سمیع و علیم است.

بعد از این وقایع حضرت علی‌اکبر به میدان رفت و آن‌طور که در تاریخ آمده است با رشادتی که حضرت علی‌اکبر داشت از حدود 120 تا بالای 200 را کشت. «**وقَد أصابَتهُ جِراحاتٌ کثیرَةٌ**»؛ جراحات زیادی بر پیکر پاک و مبارک حضرت علی‌اکبر وارد شده بود و تشنگی بر آن حضرت غلبه کرده بود. زمانی از معرکه دور شدند و نزدیک پدر بزرگوارشان رفت و فرمود: «یا أبَة! العَطَشُ قَد قَتَلَنی، وثِقلُ الحَدیدِ قَد أجهَدَنی، فَهَل إلی شَربَةٍ مِن ماءٍ سَبیلٌ، أتَقَوّی بِها عَلَی الأَعداءِ»[[6]](#footnote-6)؛ پدرجان عطش مرا کشت و سنگینی این کارزار و آتش معرکه مرا به شدت به سختی واداشته است آیا شربتی از آب هست تا بیاشامم و به جنگ با دشمنان خدا بروم. سپس امام حسین به شدت به گریه افتادند و فرمودند: چقدر برای جد مبارک تو و برای من سنگین است که تو از جنگ آمده‌ای و آب می‌خواهی و من نمی‌توانم جواب بدهم. سپس حضرت علی‌اکبر دو مرتبه وارد میدان شدند و این بار طوری ضربه خوردند که نتوانستند از اسب به روی زمین پیاده شوند و اسب او را به میان لشکر برد و با آن تشنگی و سختی همه دشمنان به او حمله‌ور شدند «[**فَقَطَعُوهُ بسُیوفَهُم اِرباً اِرباً**](http://www.mashreghnews.ir/fa/news/359440/%D8%B7%D8%B1%D8%AD-%D9%81%D9%8E%D9%82%D9%8E%D8%B7%D9%8E%D8%B9%D9%8F%D9%88%D9%87%D9%8F-%D8%A8%D8%B3%D9%8F%DB%8C%D9%88%D9%81%D9%8E%D9%87%D9%8F%D9%85-%D8%A7%D9%90%D8%B1%D8%A8%D8%A7%D9%8B-%D8%A7%D9%90%D8%B1%D8%A8%D8%A7%D9%8B)»[[7]](#footnote-7)؛ جسد مبارک او را قطعه قطعه کردند.

**لاحَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاّ بِاللَّهِ الْعَلِی الْعَظیمِ وَسَیعْلَمُ الَّذِینَ ظَلَمُوا أَی مُنقَلَبٍ ینقَلِبُونَ[[8]](#footnote-8)**

**اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ إِنَّا أَعْطَینَاک الْکوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّک وَانْحَرْ إِنَّ شَانِئَک هُوَ الْأَبْتَرُ[[9]](#footnote-9)**

## خطبه دوم

اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، **نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین.**

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **«یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَکونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ»[[10]](#footnote-10)عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

بازهم همه شما برادران و خواهران بزرگوار و خودم را به تقوا و پارسائی، به دوستی با خداوند و محبت الهی به شکر و سپاس خداوند و صبر بر سختی‌ها و عمل به انجام دستورات الهی سفارش و دعوت می‌کنم. امیدواریم خداوند متعال به همه ما توفیق بندگی خالصانه خودش را عنایت بفرماید و همه ما با حضور در پایگاه عبادی و معنوی جمعه باید با گفتن خطیب جمعه و بیداری دل‌ها به یاد مرگ و لقاء الهی باشیم. بکوشیم هر جمعه که به پایگاه نماز و مرکز بندگی و عبادت خداوند متعال شتابان می‌آییم، نسبت به اعمال گذشته حسابرسی و بازرسی داشته باشیم و متوجه این نکته مهمی که در روایات آمده است باشیم که روز جمعه اعمال انسان‌ها بر حضرت بقیة‌الله الأعظم ارواحنا له الفداه عرضه می‌شود، کارنامه عمل هفته ما و رفتار و حرکات ما در زندگی خانوادگی و اجتماعی مورد عنایت دستگاه ضبط کننده هستی است و در کارنامه ما ثبت خواهد شد و روز جمعه موعدی است که بخصوص این پرونده به دست سید و سرور و پیشوایمان حضرت بقیة‌الله الأعظم تقدیم می‌شود. تلاش کنیم هر جمعه خود را بازسازی کنیم و یک توبه و انابه و بازگشتی به‌سوی خداوند داشته باشیم. بکوشیم دست‌کم هر جمعه یک نگاهی به درون بیندازیم و یک ارتباط خاصی هم با خدا و حضرت بقیة‌الله الأعظم ایجاد کنیم. ان‌شاءالله با عنایت خداوند به سمت اهداف بلند و اصلاح نفس رهنمون بفرماید.

## توهم توطئه

یکی از مسائلی که بخصوص در دوره‌های اخیر در کشور ما در مطبوعات، سخنان و گفتارها مطرح می‌شود توهم توطئه است در فرهنگ سیاسی ما از مفاهیم و مقولات رایج به حساب می‌آید. برخی ادعا می‌کنند که ما دچار توهم توطئه هستیم و باید از این توهم توطئه خود را برهانیم. توهم توطئه مفهومی است که اصل آن در روانشناسی و حالت‌های روانی انسان مطرح است. به‌طورکلی انسان‌ها در ارتباط با دیگران سه حالت می‌توانند داشته باشند: زمانی است که انسانی در ارتباط با دیگران و افرادی که با او معاشرت دارند به همه چیز به دید حسن ظن می‌نگرند و اصولاً به دید عمیق با مسئله برخورد نمی‌کنند که از آن به خوش‌بینی افراطی تعبیر می‌شود؛ نقطه مقابل آن حالتی است که انسان نسبت به دیگران با یک سوءظن مطلق برخورد کند و همه افراد را دشمن خود بپندارد و خیال کند همه وقایع و حوادث و اتفاقات ترتیب داده می‌شود تا کسی به او ضربه بزند و همیشه سعی دارند مشکلات خود را بر دوش دیگران قرار دهند؛ دسته سوم افرادی هستند که از نظر عاطفی در حد وسط و متعادلی قرار دارند و منطقی می‌اندیشند و برای رشد و ترقی معتقد است که انسان باید با اراده و تصمیم خود زندگی خود را اداره کند و خود او در زندگی کار و تلاش کند.

حالت اول و دوم در یک گروه، جامعه، ملت و تمدن نسبت به دیگران هم تصور خواهد شد و متأسفانه زمانی که بحث‌های جناحی و سیاسی غیرمنطقی به میان می‌آید این اشتباهات پدید می‌آید و افراد مغرض این حالات را به جامعه القاء می‌کنند. در برهه‌های اخیر افرادی که در زمان انقلاب و جنگ و عرصه‌های کارزار در راه خدا و آزمون‌های دشواری که این ملت در برابر عزت و عظمت خود داشت وارد شد، گاهی القاء کردند که ما ملتی هستیم که دچار توهم توطئه هستیم و اینکه القاء کردند که دنیا دنیای دشمنی و کینه نیست.

ما باید در حد متعادل و منطقی حرکت کنیم و ملت و جامعه‌ای باشیم که هم اشکالات و ضعف‌های خود را بشناسیم و درعین‌حال از دشمنان بیرون و گرگان درنده‌ای که در دنیا وجود دارند و طمع‌کاران و ضربه خورده‌های این ملت و انقلاب غافل نشویم. گاهی به ما جوری القاء می‌کنند تا ما را از این غافل کنند که در دنیا دارای دشمن هستیم و بالاخره در دنیا مستکبرانی وجود دارند که ارزشمندترین حقوق بشر را زیر پا گذاشتند. قرار گرفتن در غفلت چیز خطرناکی است. زیرا با رنگ و لعاب‌های روشنفکرانه به ما القاء کنند که ما دچار توهم توطئه هستیم و نسل جوان ما باید این را بفهمد. باید توجه کنیم مورد خوش‌باوری و بی‌توجهی دنیایی که چندان امن نیست و رقابت‌های شدیدی در آن وجود دارد و زخم‌خورده‌ها از این اسلام و انقلاب در آن وجود دارد غافل شویم که چیز خطرناکی است. فارغ از منازعات سیاسی و جناحی آنانی که به اسلام و انقلاب معتقد هستند باید توجه داشته باشند که دچار مرض اول که غفلت از دشمنان بیرون و اشکالاتی که از بیرون وجود دارد نشوند و آن‌طرف جناح‌های سیاسی و ملت ما باید توجه داشته باشد که زمانی دچار آن مرض نشویم که همه‌چیز را از بیرون ببینیم. زمانی که عقب‌افتادگی و مسائلی از این قبیل داریم همه چیز ما تحمیلی نیست بلکه ما خود نیز دارای تقصیر و اشکال هستیم. ملتی پیشرفت خواهد کرد که ضعف‌های خود را تشخیص دهد و درصدد جبران برمی‌آید و درعین‌حال به دشمنان خود نیز توجه می‌کند.

اگر جناح‌هایی به اسلام و انقلاب معتقد باشند و به عزت و عظمت کشور حساب کنند قطعاً باید به این نکته توجه کنند و از طرف دیگر اگر گروه‌هایی خیال می‌کنند ما می‌توانیم همه چیز را بر گردن بیگانگان بیندازیم نیز واقعاً درست نیست. باید در حد اعتدال خود و اشکالات خود را بشناسیم و درعین‌حال از دشمنان غافل نباشیم و حرکات دشمن را در نظر داشته باشیم و بر اساس آن ارزیابی و قضاوت و داوری کرد. اگر به‌طور عمیق بنگریم از بسیاری از زیاده‌روی‌ها و ساده‌انگاری‌ها پرهیز خواهیم کرد.

## دعا

**نسئلک اللهم و ندعوک باسمک العظیم الاعظم الأعزّ الأجلّ الاکرم یا الله ... یا ارحم الرحمین. اللهم ارزقنی توفیق الطاعة و بعدالمعصیة و صدق النیّة و عرفان الحرمة؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر واهله.**

خدایا قلوب ما را به انوار ایمان و معرفت و بصیرت منور بفرما دل‌های ما را در معرض تابش انوار لطف و عنایت و حکمت خود قرار بده خدایا به ما توفیق بندگی خالصانه خود عنایت بفرما خدایا شعاعی از محبت و دوستی خودت را بر دل‌های مشتاق ما بیفکن ما را مشمول عنایات و توفیقات خودت قراربده گناهان و آلودگی‌های ما را ببخش ما را بر اصلاح نفس و اصلاح فردی و اجتماعی موفق بدار

**بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ یلِدْ وَلَمْ یولَدْ وَلَمْ یکن لَّهُ کفُوًا أَحَدٌ[[11]](#footnote-11)**

1. **. سوره اعراف، آیه 43.** [↑](#footnote-ref-1)
2. . سوره التوبه، آیه 119 [↑](#footnote-ref-2)
3. . سوره مبارکه نساء، آیه 125. [↑](#footnote-ref-3)
4. . نفس المهموم، صفحه 188 و 189؛ دمع السجوم، صفحه 159 تا 161. [↑](#footnote-ref-4)
5. . نفس المهموم، صفحه 188 و 189؛ دمع السجوم، صفحه 159 تا 161. [↑](#footnote-ref-5)
6. . مقتل الحسین (ع) خوارزمی، جلد 2، صفحه 30. [↑](#footnote-ref-6)
7. . کبریت الاحمر ط اسلامیة، صفحه 185. [↑](#footnote-ref-7)
8. . سوره مبارکه شعرا، آیه 227. [↑](#footnote-ref-8)
9. . سوره مبارکه کوثر. [↑](#footnote-ref-9)
10. . سوره التوبه، آیه 119 [↑](#footnote-ref-10)
11. . سوره مبارکه توحید. [↑](#footnote-ref-11)